

## در این شماره

- خطر مرگ برای زندانیان سیاسی در ص ۲
- به یاد صادق چوبک در ص ۳
- جنبش کمونیستی ایران ۷۸ ساله شد در ص ۴
- یادی از اسطوره های پایداری در ص ۲
- تجاوزگری نظامی ترکیه در ص ۷

## اگر قرار بود دادگاه سیاسی باشد...

محسنی، رئیس دادگاه کرباسچی، در جریان آخرین روز کار این دادگاه، در دفاع از عملکرد قوه قضاییه و همچنین عملکرد دادگاه در برخورد با کرباسچی، گفت: «اگر قرار بود دادگاه سیاسی باشد، به گونه ای دیگر رفتار می کردیم...» در این اظهار نظر محسنی، و سایر اظهار نظرهایی که پیرامون ماجرای پرونده کرباسچی در روزهای اخیر انعکاس یافته است، توجه به چند نکته ضروری است. کرباسچی بدفعات، در جریان دادگاه، بطور تلویحی به فرمایشی بودن دادگاه اشاره کرد، و این دادگاه را یک دادگاه سیاسی دانست، و در واقع خود را یک «مجرم» سیاسی که توسط جناح راست تحت پیگرد قرار گرفته است، معرفی کرد. محسنی در پاسخ به همین موضوع بود که اشاره کرد اگر دادگاه سیاسی بود به گونه ای دیگر رفتار می شد. آقای محسنی قاعدتا با توجه به سوابق امر و تجربه خویش است که، با اطلاع، در این زمینه اظهار نظر می کند. او می داند که قوه قضائیه رژیم «ولایت فقیه»، با «مجرمان» سیاسی چگونه برخورد می کند. آقای محسنی می داند که مجرمان سیاسی، در زندان های دهشتناک رژیم «ولایت فقیه»، تا سرحد مرگ شکنجه می شوند و سپس، در بیدادگاه های «انقلاب»، به آنها اجازه داده می شود تا یا «اظهار ندامت» کنند و یا به شکنجه و سرانجام اعدام محکوم شوند. سببیت دستگاه قوه قضائیه جمهوری اسلامی، خصوصا در جریان کشتار وحشیانه هزاران زندانی سیاسی، جهان را تکان داد و نشان داد که میزان جنایتکاری سران رژیم تا چه حد است. جهان مطلع شد که چگونه گروه های سه نفری مرگ به نام «قاضی»، به دستور خمینی، به زندان ها اعزام شدند و هزاران زندانی سیاسی مبارز را، که تنها جرمشان پایبندی به آرمان های انقلاب و دفاع از آزادی بود، در «دادگاه های» پنج دقیقه ای، به اعدام محکوم کردند. آقای محسنی درست می گوید که اگر آقای کرباسچی، به قول برخی روزنامه های مجاز، از «خودی ها» نبود، با او به گونه ای دیگر رفتار می شد و به او اجازه داده نمی شد تا این گونه علنی و با حضور خبرنگاران داخلی و خارجی، از خود دفاع کند. و همچنین به خاطر شکنجه «خودی» ها بود که در جریان دادگاه، بدفعات در مورد شکنجه های وحشیانه در زندان های رژیم، افشاگری شد و از جمله کرباسچی در این زمینه گفت: «جناب آقای محسنی ریاست محترم دادگاه! در طول مدت بازجویی و تحقیقات، متهمان با چشمانی بسته و روحی متلاشی و روانی خراب محکوم به تحمل مصیبت ها بودند و تحت فشار سخت ترین

## دهمین کنگره حزب کمونیست

آفریقای جنوبی: برای ساختن سوسیالیسم! در راه ایجاد قدرت توده ای!  
 ● استقبال گرم دهمین کنگره از هیأت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران  
 ● دیدار نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران با تابو مبکی، معاون رئیس جمهور و دبیر کل کنگره ملی آفریقا  
 در صفحه ۸



شماره ۵۳۶، دوره هشتم  
 سال چهاردهم، ۳۰ تیرماه ۱۳۷۷

## اوضاع بشدت بحرانی کشور و فشار کمر شکن سیاست های اقتصادی رژیم «ولایت فقیه» بر گرده اکثریت مردم

- هر دلار کاهش قیمت نفت معادل ۱ میلیارد دلار کسری بودجه است
- بهای نفت ایران به پایین ترین سطح در ۱۲ سال گذشته سقوط کرد
- بیکاری بیداد می کند: ۹۰٪ مردم خرمشهر بیکارند
- در دوماه گذشته ۱۷ کارخانه نساجی تعطیل شده است
- اولویت با توسعه سیاسی است یا توسعه اقتصادی؟

که به دستور صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و بدست «سردار سازندگی»، هاشمی رفسنجانی، بر مردم میهن ما تحمیل شد. بنابراین علاج بیماری، با ادامه همان سیاست های گذشته، امکان پذیر نیست. تشدید بحران اقتصادی در هفته های اخیر، بار دیگر ابعاد ضد ملی و ضد مردمی سیاست های اقتصادی رژیم «ولایت فقیه» را در معرض قضاوت همگان قرار داد.

دکتر ابراهیم شیبانی، معاون بانک مرکزی، می گوید: «کاهش درآمد نفتی باعث نگرانی شدید دولت شده است و نگرانی بزرگتر در این میان مشکل بیکاری است. نرخ بیکاری در ایران ۹/۱ درصد است، ولی با توجه به اینکه، رشد اقتصادی برای سال آینده ۴ درصد پیش بینی شده، نرخ بیکاری در سال ۱۳۸۰، به حدود ۲۲/۶ درصد خواهد رسید، که این خود یعنی ۸ میلیون بیکار در کشور.» دکتر شیبانی در ادامه می افزاید: «به علت کم شدن درآمد نفت، درآمد سرانه از ۱۲۰۰ دلار به ۱۲۰ دلار رسیده است و این در حالی است که سالانه ۱/۵ میلیون نفر به جمعیت کشور اضافه می شود که موجب کاهش بیشتر درآمد سرانه است.»

در «وال استریت ژورنال»، دوشنبه ۲۵ خرداد ماه (۱۵ ژوئن)، این خیر نوشته شده بود: «بهای نفت

ادامه در صفحه ۶

در دورانی که عوامل ارتجاع و استبداد، به تاراج ثروت های ملی پرداخته، و حساب های میلیونی و میلیاردی در بانک های خارج از کشور پس انداز کرده اند، میلیون ها زن و مرد کارگر، روستایی، کارمند، روشنفکر و دختر و پسر دانشجو، از یک سو در سخت ترین شرایط فقر اقتصادی، بیکاری، گرانی سرسام آور، و از سوی دیگر زیر فشارهای سیاسی و اجتماعی رژیم «ولایت فقیه»، روزگار می گذرانند، که دستاوردهای رعب آور آن چیزی جز اعتیاد، فحشا، دزدی، روان پریشی، و در نهایت ناهنجاری های اجتماعی، قتل و خودکشی، نیست.

در ماههای اخیر، با سقوط شدید قیمت نفت به زیر ده دلار در هر بشکه، در صورتی که بودجه سالانه دولت برپایه ۱۷/۵ دلار در هر بشکه تنظیم گردیده بود، وخامت اوضاع اقتصادی ابعاد تازه ای یافت، و بحران همه جانبه، فشار خود را بر محرومان و اکثریت عظیم مردم دوچندان کرد. خانمی در سخنرانی خود، در ۲۲ اسفندماه ۱۳۷۶، گفته بود: «ساختار اقتصاد ایران چه در تولید و چه در توزیع و چه در مقررات، یک اقتصاد بیمار است.» ما در همان هنگام ضمن تأیید این حقیقت، اضافه کردیم که بیماری ساختاری اقتصاد ایران، ثمره سیاست های ضد ملی و ایران برپاد ده «تعمیل اقتصادی» است،

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

## «گولتان نزنند! پذیرفتن اسلام با پذیرفتن دموکراسی در قانونگذاری، به هیچ وجه سازگار نیست»



### موسوی لاری، نامزد پست وزارت کشور شد

سید محمد خاتمی، در نامه ای به ناطق نوری، رئیس مجلس، موسوی لاری را بعنوان نامزد احراز مقام وزارت کشور، معرفی کرد. موسوی لاری که از نزدیکان سید محمد خاتمی است، میان سال های ۵۳ و ۵۴، یک سال در زندان رژیم شاه بوده است، و پس از انقلاب پست های گوناگونی، از جمله نمایندگی مجلس، در دوره اول، معاونت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نمایندگی مجلس در دوره سوم، و عضویت در هیأت رئیسه مجلس، مشاور کتابخانه ملی جمهوری اسلامی، عضویت در شورای فرهنگ عمومی، کمیسیون اطلاع رسانی، معاون امور حقوقی و مجلس رئیس جمهوری و عضو هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، را عهده دار بوده است. جناح راست در عکس العمل مخالف به این معرفی، موسوی لاری را فردی مانند عبدالله نوری دانست، که نمی تواند در شرایط حساس کنونی عهده دار پست حساس وزارت کشور باشد. روزنامه قدس، که وابسته به جناح راست است، در شماره پنجشنبه ۲۵ تیرماه خود، نوشت: «در حالی که ۲۴ ساعت از معرفی آقای موسوی لاری از جانب رئیس جمهوری بعنوان وزیر کشور می گذرد، برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از اینکه فرد معرفی شده بتواند رأی اعتماد کسب نماید ابراز تردید کردند.» همچنین بر اساس گزارش روزنامه ها، نجابت، نماینده شیراز، که از استیضاح کنندگان عبدالله نوری بود، به خبرنگاران گفته است: «موسوی لاری دارای سابقه کار اجرایی قوی نیست. وزیر کشور باید تابع محض ولایت فقیه باشد تا با نیروهای انتظامی مسأله ای پیدا نکند.» بر اساس گزارش روزنامه های مجاز، دوشنبه، ۲۹ تیرماه، مهاجرانی، سخنگوی دولت اظهار امیدواری کرد که موسوی لاری از مجلس رأی اعتماد کسب کند.

است یا دینی که ادعا دارد در تمام شئون زندگی قانون دارد. دموکراسی در قانون یعنی اگر مردم چیزی را خلاف خواست خدا خواستند، خدا بی خدا و دین بی دین. مواظب باشید گولتان نزنند پذیرفتن اسلام با پذیرفتن دموکراسی در قانونگذاری به هیچ وجه سازگار نیست.» (روزنامه همشهری، شنبه ۲۰ تیرماه).

روشن تر از این نمی توان به مخالفت رژیم «ولایت فقیه» با آزادی، دموکراسی و جامعه مدنی اعتراف کرد. حزب ما بارها در این زمینه گفته و نوشته بود، که پذیرش «ولایت فقیه» یعنی پذیرش استبداد فردی. ما همچنین تأکید می کردیم که بر این اساس، قوانین کشور، از جمله قانون اساسی آن، ورق پاره ای بیش نیست که تنها خاصیتش حفظ «قانونی» نهاد «ولی فقیه» بعنوان نهادی ورای تمامی قوانین کشور است. سخنان مصباح یزدی، که یکی از نظریه پردازان رژیم «ولایت فقیه» است، آب پاکی روی دست کسانی است که در مخالفت با این نظرات ما از امکان «استحاله» رژیم سخن می گفتند، و اصل «ولایت فقیه» را یک اصل مذهبی می دانستند که نباید با آن مبارزه کرد.

آیت الله محمد تقی مصباح یزدی، عضو مجلس خبرگان و شورای عالی انقلاب فرهنگی، و از نظریه پردازان رژیم «ولایت فقیه»، در جریان برگزاری نماز جمعه تهران، ضمن حمله غیر مستقیم به محمد خاتمی، رئیس جمهوری، و کسانی که خواهان آزادی و جامعه مدنی هستند، از جمله گفت: «آنها می گویند غیرت دینی و تعصب در مذهب باید از بین برود تا مردم دنیا بخاطر اختلافات مذهبی با یکدیگر درگیر نشوند... در اسلام، اساس پرستش خداست و بالاترین ارزش نیز این است که انسان بنده خالص خدا باشد. اگر من واقعاً معتقد باشم که اسلام، حق است و آن را باید پذیرفت، چگونه می توانم بگویم باید کاملاً آزاد باشم که هرکاری دوست دارم انجام دهم... مروجان این تفکر می گویند قید و بند زدن به آزادی یعنی قفس در قفس درست کردن است. قانون آن است که من می خواهم و اساساً حوزه دین از حوزه علوم و فلسفه جداست. به اعتقاد آنان، دین در حوزه رابطه انسان با خداست و اگر بحث های باید و نباید های اجتماعی شود، دین حق دخالت ندارد... اساس دموکراسی غربی در بعد قانونگذاری، این موضوع است که واقعیتی جدا از خواست مردم وجود ندارد. باید راهمان را آگاهانه انتخاب کنیم و ببینیم آیا ملاک اعتبار قانون، رأی مردم

## خطر، جان زندانیان سیاسی ایران را تهدید می کند

محکوم به اعدام و یا با سرنوشت نامعلوم در زندان های ایران نیز که هر لحظه ممکن است به جوخه اعدام سپرده شوند، نیازمند توجه جدی دول و سازمان های مدافع حقوق بشری باشند، محکومین به اعدامی مانند: علی رضا کرمانی، نادر جعفری، عزیز الله خیری، سعید جوادی، محسن کریمی، مهرداد احسانی و مرتضی فیروزی در زندان اوین تهران. محمد علی عطایی در زندان رشت، خانم فقیهه عبداللهی و نیز خالد صوفی و کمال کریمی در زندان ارومیه و یا زندانیان سیاسی با سرنوشت نامعلوم نظیر خانمها: مینا نمازی، معصومه بهتاش، ناهید آذری و نیز علی توسلی در زندان های تهران و همچنین هوشنگ نوشین در زندان ارومیه.»

حزب توده ایران ضمن تأکید بر ضرورت دفاع و تشدید کارزار همبستگی با زندانیان سیاسی ایران، از نیروهای مترقی و آزادی خواه سراسر جهان می خواهد تا با تشدید فشار بر رژیم «ولایت فقیه»، اجازه ندهند تا گروه دیگری از زندانیان سیاسی کشورمان به دست دژخیمان رژیم، نابود گردند.

«جمعیت دفاع از زندانیان سیاسی ایران»، در کلن، در اطلاعیه ای که روز ۲۴ تیرماه، در آستانه سفر هیأت اروپایی به ایران، منتشر کرد، ضمن ابراز نگرانی از ادامه شکنجه و آزار زندانیان سیاسی، هشدار داد که خطر مرگ جان عده ای از زندانیان سیاسی ایران را تهدید می کند. در این اطلاعیه از جمله آمده است: «بعد از اعدام هفت زندانی سیاسی در شهر زاهدان و ۳ زندانی دیگر در تهران در اواخر می و اوایل یونی ۹۸ [اردیبهشت و خرداد ۱۳۷۷]، اکنون خبر از دستگیری های تازه می رسد. به عنوان نمونه: ۱- محسن سعید زاده، روحانی، به جرم نوشتن مقاله ای در دفاع از حقوق زنان در اواخر یونی ۹۸ شبانه از خانه اش در تهران ربوده شده است و اکنون بدون داشتن حق ملاقات در بازداشت دادرسی ویژه روحانیت است... ۳- بنا به اخبار موثق هادی هاشمی داماد آیت الله منتظری و نیز مهندس نصراللهی از هواداران او که دو ماه قبل در شهر نجف آباد، دستگیر شده اند، جهت کسب اقرار دروغین زیر شکنجه شدید می باشند... در عین حال دهها زندانی سیاسی

برآورد می شوند» به گفته موحدی کرمانی بسیج می تواند در سرنوشت انقلاب بویژه انتخابات مختلف نقش سرنوشت سازی داشته باشد.» موحدی کرمانی ضمن اشاره به اهمیت انتخابات خبرگان که قرار است در سه ماه آینده برگزار شود گفت: «همه تلاش ها را باید در این سه ماه مانده به انتخابات انجام دهید. این انتخابات را دست کم نگیرید. خبرگان سالم ولایت فقیه را بیمه می کند و اگر ناسالم باشد عمود نظام آسیب می بیند.»

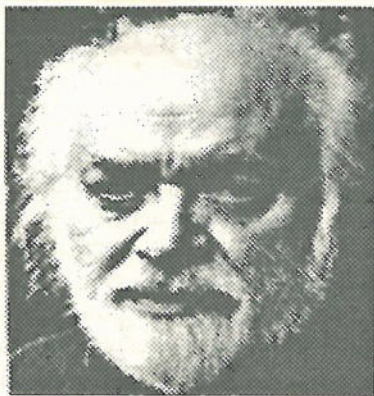
«تسامح و تساهل در اسلام وجود ندارد بلکه در اسلام «رفق» داریم.» وی که در همایش «نمایندگی های ولی فقیه در نیروی مقاومت بسیج» سخن می گفت، افزود: «تسامح یعنی مهم ندستن، یعنی اگر کسی گناهی می کند با او کاری نداشته باشیم». کرمانی در همین سخنرانی ضمن صحبت از اهمیت نیروهای بسیج افساء کرد که در سراسر ایران «افزون بر ۳۰ هزار پایگاه بسیج وجود دارد که تعداد افراد تحت پوشش این پایگاه ها بیش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر

## «خبرگان سالم ولایت فقیه را بیمه می کند»

بر اساس گزارش خیرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، دوشنبه ۲۹ تیرماه، آیت الله موحدی کرمانی، نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران، ضمن انتقاد از معتقدان به «تسامح و تساهل»، گفت:

## به یاد

# صادق چوبک



صادق چوبک، نویسنده بزرگ ایرانی، روز جمعه، ۱۲ تیرماه، در آمریکا در گذشت. او یکی از سرسلسله های داستان نویسان پیشکسوت ایران بود. صادق چوبک، با انتشار اولین مجموعه داستان خود به نام «خیمه شب بازی» (۱۳۲۴)، جزو بنیانگذاران داستان نویسی نو و تازه پای ایران در آمد. پیش از او، جمالزاده با انتشار «یکی بود یکی نبود» (۱۳۰۰)، هدایت با انتشار «زنده بگور» (۱۳۰۹)، و بزرگ علوی، همراه هدایت و شین پرتو، با انتشار در مجموعه «انبران» (۱۳۱۰)، راه نو داستان نویسی را گشوده و گامهایی در آن پیموده بودند. چوبک در آثار خود واقع گرا بود. صفت مشخصه شیوه او در واقع نگاری، ریز شدن بسیار در واکنش های حیاتی اندامهای قهرمانانش بود، که هر یک بگونه ای، موقت یا دائم، اسیر این واکنشها بودند (زیر چراغ قرمز، تنگسیر، سنگ صبور و...)، اما در «تنگسیر»، چوبک از این واکنش های حیاتی اندام، برای شکستن تابوی قهرمان، سود می برد،

کاری که سالها پس از چوبک، گارسیا مارکز در «هزار توی ژنرال» می کند. قهرمانان چوبک، انسانهای درمانده جامعه اند. همگی قربانی بیگناه جریان زندگی در جامعه ای عقب مانده اند، و اوقاتی ملال آور همراه فقر و مسکنت را از سر می گذرانند. آنها اسیر و تسلیم دردهای جسمانی و روحی و بندی سیر مقدر زندگی خوداند. در «تنگسیر» (۱۳۴۲)، بر خلاف روال معمول قهرمانان چوبک، زار محمد، کارگر بوشهری، که با کار طاقت فرسا در ساختمان پالایشگاه آبادان پولی فراهم کرده، بر بازاری های حریص شهر خود که دسترنج او را از چنگش بیرون کشیده اند، می شود و دست به قتل می زند و می گریزد. در آثار چوبک، رنج و آزار حیوانات با ظرافت خاصی تصویر شده است (عدل، قفس، انتری که لوطیش مرده بود). محرومیت ها، آزردها و عذاب بی وقفه کودکان و زنان نیز در آثار وی جلوه و تأکید خاصی می یابد. صادق چوبک به سال ۱۲۹۵، در بوشهر، متولد شد. دیپلمه ادبی از کالج آمریکایی تهران بود. مدتی در شیراز و خرمشهر تدریس کرد و سپس به شرکت نفت رفت. او سالها بود که در آمریکا می زیست. از صادق چوبک، این آثار بجا مانده اند: خیمه شب بازی (۱۳۲۴)؛ انتری که لوطیش مرده بود

(۱۳۲۸)؛ ترجمه «آدمک چوبی» [پینوکیو]، نوشته کارلو کولودی؛ ترجمه «غراب» اثر ادگار آلن پو (۱۳۳۸)؛ «تنگسیر» (۱۳۴۲)، که فیلمی در سال ۱۳۵۳، بکارگردانی امیر نادری، از آن ساخته شده است؛ «چراغ آخر» (۱۳۴۴)؛ «روز اول قبر» (۱۳۴۴)؛ «سنگ صبور» (۱۳۴۵)؛ «مهپاره» (۱۳۷۰)، ترجمه ای از داستانهای عاشقانه هندی. صادق چوبک به هنگام مرگ ۸۲ سال داشت. با مرگ چوبک، مردم ما بی شک چهره ای برجسته و ماندگار در داستان نویسی نو خود را از دست داده اند.

### ادامه: اگر قرار بود دادگاه سیاسی باشد...

حملات و ضربات بازجویان قرار داشتند. حتی به خاطر اینکه بازجویان بعضا شناخته نشوند، نه تنها از چشم بند برای متهمین استفاده می شد، بلکه آنها را در بسیاری از موارد پشت شیشه های مات بازجویی می کردند و البته افرادی با کابل و شلاق همچون ستمگران با تهدید و ارعاب کمر به شکست متهم بسته بودند... نمونه ای از خلاف سرتیم بازجویی، دست خطی است که وی به یکی از افراد دستگیر شده داده که الا و لا به مطالب حاوی در آن دست خط را باید در مصاحبه اش مطرح کند، و آنچه وی در دادگاه مطرح کرده و یا مصاحبه هایی که با وی ترتیب داده شد، سراسر حاوی همان نکاتی ست که عنصر مذکور از نامبرده خواسته تا علیه شهرداری و مدیریت آن سخن بگوید... (سخنان کرباسچی، شهردار تهران در، جلسه دادگاه یکشنبه ۱۷ خرداد ماه ۱۳۷۷).

آیا این گونه رفتار بازندان، پدیده جدیدی است؟ آیا سران رژیم جمهوری اسلامی و از جمله هاشمی رفسنجانی، بعنوان پایه گذار «کارگزاران سازندگی»، که آقای کرباسچی «افتخار» عضویت در آن را دارد، تا به هنگام شکنجه مأموران شهرداری نمی دانستند که در زندان های رژیم چه جنایات هولناکی صورت می گیرد؟ آیا به یاد ندارند که شکنجه های وحشیانه زندانیان توده ای و آن شوهای مشمزه کننده تلویزینی را از «معجزات سربازان گمنام امام زمان» می دانستند؟ و آیا اعتراف امروز آنان به این حقایق سندی محکم در محکومیت رژیم و «نظامی» نیست که با وجود چنین پرونده سنگینی از ظلم، جرم و جنایت، تلاش می کنند حفظش کنند؟

برای روشن تر کردن ذهن آنانی که به نظر می رسد با حقایق تکان دهنده شکنجه گاه های رژیم تازه دارند آشنا می شوند، گوشه هایی از نامه تکان دهنده رفیق دکتر احمد دانش، جراح برجسته، مبارز خستگی ناپذیر راه آزادی، انسان شرافتمند و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران را به آیت الله منتظری، که از نزدیک «اخلاق و رفتار اسلامی» سربازان «گمنام امام زمان» را تجربه کرده بود، و سرانجام وحشیانه به جوخه اعدام سپرده شد، جلب می کنیم.

در نامه رفیق احمد دانش آمده است: «... در اینجا اجازه بدهید مختصری در باره پرونده خود برایتان بنویسم... در سحرگاه هفتم اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۲ عده ای جوان مسلح به خانه من حمله کردند و با ایجاد رعب و وحشت برای زن و دودخترم و در هم ریختن خانه، چشمهایم را بسته و با خود بردند. من تنها با چشم بسته در یک گوشه راهرو افتاده بودم. بدون آنکه بدانم و یا خانواده ام بدانند من کجا هستم. در این مدت من

بارها و بارها به بهانه کج شدن چشم بند، حتی در خواب، مورد ضرب و شتم قرار گرفتم و یا شاهد ضرب و شتم دیگران بودم... تماس من با محیط از حد چشم بندی که جزء ضروری ترین وسیله پوشش من شده بود تجاوز نمی کرد. قطع رابطه با جهان خارج و حتی قطع رابطه با وجود خودم بیش از هر چیز دیگری آزارم می داد... از آنچه که در هنگام باصطلاح «بازجویی ها» گذشته است می گذرم. بیشتر جلسات شکنجه روانی و جسمانی بود تا جلسه بازجویی. در همه این جلسات متهم با چشم بسته شرکت می کرد و همه آنها با فحاشی شدید و کتک همراه بود. بیش از یکسال و نیم از هر گونه ملاقات با خانواده خود محروم بودم... حدود دو سال و نیم را در سلول های انفرادی و گاهی در شرایط بدتر از سلول انفرادی گذرانده ام... نه قلم من قادر است آنچه را که بر من و رفقای من رفته است بازگو کند و نه مایلم وقت شما را با طرح جزئیات بگیرم... بالاخره پس از بیش از دو سال زندانی بودن در شرایط سخت و بلا تکلیفی، یک روز صبح مرا صدا زدند. مانند همیشه با چشم های بسته از سلول بیرون آمدم و توسط مأمورین به اتاقی هدایت شدم. در آنجا برای اولین بار اجازه یافتم که چشم بند خود را بردارم. روحانی جوانی پشت یک میز تحریر نشسته بود و شروع کرد از داخل پرونده ای که در مقابلش بود سوال مطرح کردن، که به آنها جواب داده شد و من فکر می کردم این جلسه ادامه بازجویی های سابق و برای جمع و جور کردن پرونده است. زیرا همان سوالات دوران بازجویی کذایی مطرح بود و از جمله سوال ها اینکه آیا شما هنوز بر سر عقاید خود باقی هستید؟ ظاهر جلسه هم هیچگونه اثری از یک جلسه دادگاه نداشت و من بعدها متوجه شدم که این جلسه می بایست جلسه دادگاه باشد. زیرا تنها من بودم و آقای روحانی که پشت میز نشسته بود.

ایشان هم سوال می کرد و هم خود می نوشت... آن جلسه دادگاه بوده است، ایشان هم رئیس دادگاه، هم دادستان، هم هیأت منصفه و هم نماینده منافع متهم در یک شخص بوده است. این جلسه که در آن می بایست درباره سرنوشت یک حزب سیاسی با چهل سال سابقه فعالیت ضد امپریالیستی و درباره سرنوشت یک انسان تصمیم گیری شود چند دقیقه بیشتر طول نکشید... من بجرات می توانم ادعا کنم که در پرونده اکثریت قریب به اتفاق رفقای من که امروز در زندان هستند، حتی یک مورد خطا که به استناد آن حتی بتوان کسی را به بازجویی دعوت کرد وجود ندارد، چه رسد به دستگیری و زندانی کردن...»

# آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

## جنبش کارگری و کمونیستی ایران، هفتاد و هشت ساله شد

هفتاد و هشت سال پیش، در ۳۰ خرداد ماه ۱۲۹۹ خورشیدی، سوسیال دموکراسی انقلابی ایران - عدالت - در کنگره بندر انزلی، رسماً موجودیت «حزب کمونیست ایران» را اعلام کرد. «حزب کمونیست ایران» در شرایط حساس و بفرنجی پای به عرصه مبارزه گذارد. جامعه آن روز ایران، فوق العاده عقب مانده بود. ساختار واپس مانده اجتماعی - اقتصادی، که روابط ارباب و رعیتی مظهر آن به شمار می رفت، در کنار نابسامانی اوضاع کشور که پیامد سرکوب و شکست انقلاب مشروطیت بود از یک سو، و اشغال بخش هایی از خاک میهن توسط بیگانگان، بویژه امپریالیسم انگلستان در جنگ جهانی اول از سوی دیگر، اوضاع ایران را پیچیده و آبدستن حوادث ساخته بود. جنبش مردم بر ضد قرار داد اسارتبار ۱۹۱۹ میلادی، که انگلستان می کوشید با یاری وثوق الدوله بر کشور ما تحمیل کند، گسترش چشمگیر و ژرفی یافته بود. علاوه بر اینها، اوضاع بین المللی نیز بنوبه خود، در فراهم آوردن زمینه های عینی بسط مبارزات حق طلبانه مردم میهن ما، نقش داشت. پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، در همسایگی میهن ما، تاثیر قاطع و جدی در جامعه برجای گذاشته، و موجب اعتلای مبارزات ملی برای رهایی از خودکامگی دربار قاجار، و کسب آزادی، عدالت اجتماعی و استقلال گردیده بود. در این چارچوب تاریخی ست که می بایست پیدایش و گسترش حزب کمونیست ایران را ارزیابی کرد، به بیان روشن تر، حزب کمونیست ایران بر بستر نیازهای جامعه ما در آن روزگار، و ضرورت تاریخی تکامل اقتصادی - اجتماعی و سیاسی شکل گرفت، تولد یافت و به نحوی بی سابقه رشد کرد. حزب کمونیست ایران در عین حال بر سنت های غنی پیکار جویانه خلق های ایران، بویژه مبارزات درخشان سوسیال دموکراسی انقلابی ایران - «حزب اجتماعيون» - در انقلاب مشروطیت تکیه داشت. بی جهت نبود که برخی از چهره های فعال انقلاب مشروطیت، و نیز یکی از رهبران تراز اول آن، یعنی حیدر خان عموغلی، در صفوف حزب جای گرفتند و نقش رهبری در آن ایفا کردند.

کمونیست های ایران در طرح مسایل عمده و حیاتی جامعه مانند، مساله ارضی، مساله ملی - مساله استقلال و تمامیت ارضی و تحکیم حاکمیت ملی - مساله دموکراسی و رشد اقتصادی - اجتماعی و سیاسی، و بیداری ایرانیان از تحجر و واپس ماندگی، پیشتاز بوده اند. در تاریخ یکصد سال اخیر، به گواهی ده ها و صدها سند و مدرک معتبر، این حزب کمونیست ایران بود که برای نخستین بار مبارزه برای برابری زنان با مردان، تامین حقوق کارگران و زحمتکشانش و حق ایجاد تشکل های مستقل صنفی، آزادی بیان و اندیشه و قانونیت را طرح کرده، به میان مردم برده و در راه آن خستگی ناپذیر پیکار کرده است. بجزرات می توان اعلام کرد که، پس از گسترش فعالیت حزب کمونیست ایران، تمام حیات سیاسی جامعه ما، خواه آنچه به طبقات حاکمه متعلق است و خواه آنچه به مخالفت با طبقات حاکمه و ستمگر مربوط، بدین نحو یا بدان نحو، زیر تاثیر ژرف شیوه تفکر و اندیشه و حتی تحلیل و اصطلاحات حزب قرار گرفت. فعالیت مطبوعاتی، و نفوذ ژرف معنوی آن، بقدری پر دامنه بود که برخی از بهترین و شایسته ترین روشنفکران ایران در دوره هایی از فعالیت خود، تحت تاثیر حزب قرار داشتند. از میان آنها می توان از شادروانان دهخدا، بهار (ملک الشعرا)، عارف و استاد بهمنیار (دهقا) نام برد. حزب کمونیست در آن دوران نشریه های متعددی، از جمله روزنامه های: حقیقت، اقتصاد ایران، کار، پیکار و کمونیست، و مجلاتی مانند: جرقه، ستاره سرخ و دنیا، را منتشر ساخت که در تاریخ فرهنگی و ادبی ایران نمونه اند. همه این فعالیت پر جوش و ثمر بخش ثابت می کند، که حزب کمونیست ایران و سپس یگانه ادامه دهنده راه آن یعنی، حزب توده ایران، نقش شگرف، ژرف و ماندگاری در تکامل سیاسی و فرهنگی ایران ایفا کرده اند. همچنین در عرصه جنبش کارگری و سندیکایی، حزب کمونیست ایران تحول بزرگی را پدید آورد. تشکیل اتحادیه های کارگری مستقل، و دهها اعتصاب کارگری از جمله اعتصاب بزرگ کارگران نفت خوزستان در سال ۱۳۰۸، اعتصاب کارگران راه آهن شمال در ۱۳۱۰ و اعتصاب کارگران نساجی اصفهان در همان سال حاصل این تحول بودند. در تاریخ ایران، به دلایل عینی، و رشد خاص سرمایه داری، تشکل های کارگری در ارتباط مستقیم با حزب طبقه کارگر شکل گرفته و رشد کرده اند. در زمینه آگاهی نسل جوان و دانشجویان نیز خدمات حزب کمونیست ایران ارزنده و بی نظیر اند. حزب کمونیست ایران محصول نیازهای عینی جامعه و رشد طبقه کارگر، در بطن نفوذ روز افزون شیوه تولید سرمایه داری در جامعه ایران، بود. این حزب، علاوه بر آنچه اشاره شد، فعالیت گسترده و خلاقانه را در زمینه نظری، آغاز کرد و بنیاد نیرومند و مستحکمی را در این عرصه پی ریخت. برشالوده چنین بنیاد نظری بی بود که حزب توده ایران به دست بازماندگان حزب کمونیست، در شرایط نوین جامعه و جهان، پایه گذاری شد و راه سلف خود را پیگیرانه دنبال کرد. ما توده ای ها وارث بحق حزب کمونیست ایران هستیم، و در کنار کارگران و زحمتکشان میهن مان به خود می بالیم که یکی از اولین احزاب مارکسیست - لنینیست جهان در کشور ما تشکیل شده، و ما پرچمدار و ادامه دهنده آن هستیم. همچنین به خود می بالیم که در درون صفوف جنبش کارگری و کمونیستی ایران، مبارزان پرآوازه ای مانند: حیدر عموغلی، سیروس بهرام، آقازاده، ارانی، سلطان زاده، حسایی، تنها، نیک بین، سیامک، روزبه، کیوان، وارطان، آرسن، حکمت جو، تیزابی، حجری، کی منش، شلتوکی، ذوالقدر، باقرزاده، علی امید، معلم، زارع، جلالی، نیک آیین، افضل، سیمین، هاتقی، و صدها انقلابی و اندیشمند گرانمایه که خدمات ارزنده و تاریخی به یادگار گذاشته اند، پروده شده و مبارزه کرده اند. ما توده ای ها، در هفتاد و هشتمین سالگرد پایه گذاری حزب کمونیست ایران، به گذشته تاریخی خود، با همه قراز و نشیب های آن، بدیده افتخار می نگریم، و با اتکاء به برجسته ترین و بهترین سنن و تجربیات این مبارزه هفتاد و هشت ساله است که به مبارزه خود در راه تحقق آرمان های والای طبقه کارگر و زحمتکش، ادامه می دهیم.

## یادی از اسطوره های شجاعت و پایداری

به مناسبت سالگرد شهادت رفقا پرویز حکمت جو و  
هوشنگ تیزابی

بیست و چهارم خرداد و هفتم تیرماه، سالگرد شهادت دوتن از قهرمانان اسطوره ای جنبش رهایی بخش خلق های میهن ماست.

• در بیست و چهارم خردادماه ۱۳۵۳، رفیق پرویز حکمت جو، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، پس از ۹ سال مقاومت در برابر شکنجه های وحشیانه مأموران ساواک، سرانجام جان بر سر آرمان های انسانی خود باخت. رفیق شهید حکمت جو، در سال ۱۳۰۶ متولد شد، و در سال ۱۳۳۱، در مقام افسر خلیان، به سازمان نظامی حزب توده ایران پیوست، و در پی کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، مجبور به مهاجرت شد. رفیق حکمت جو، همراه رفیق علی خاوری، در سال ۱۳۴۳، برای بازسازی سازمان های حزبی به ایران بازگشت و دیری نپایید که در چنگال ساواک اسیر شد. رفقا حکمت جو و خاوری، در دفاعیات پرشور خود، بیدادگاه های رژیم ستم شاهی را به تربیونی برای افشای رژیم شاه تبدیل کردند و به همین علت توسط «دادگاه» به مرگ محکوم شدند، اما فشار افکار عمومی در ایران و جهان و اعتراض های بیگیر نیروهای مترقی در سطح جهان، رژیم شاه را وادار به عقب نشینی و تغییر حکم اعدام به حبس ابد کرد. شکنجه گران ساواک، که مترصد فرصت برای انتقام جویی بودند، لحظه ای رفیق حکمت جو را رها نمی کردند، و به بهانه های مختلف، او را به بازجویی و شکنجه گاه می بردند. شکنجه گران، برای درهم شکستن روحیه اش، او را ماهها به زندانی انفرادی انداختند، آزار و اذیتش کردند، و سرانجام رفیق پرویز، در مصافی نابرابر در مقابل دژخیمان ساواک، که مصمم به خرد کردن اراده او بودند، قرار گرفت، و از آخرین نبرد خود سربلند و پیروز بیرون آمد.

• هفتم تیرماه ۱۳۵۲، رفیق هوشنگ تیزابی، عضو حزب توده ایران، و از دلوران کم نظیر جنبش مردمی میهن ما، بدست شکنجه گران ساواک به شهادت رسید. رفیق تیزابی در سال ۱۳۲۲ متولد شد، و از عنفوان جوانی به مبارزه سیاسی کشیده شد. رفیق تیزابی، بقول خودش، «از نفرت» به حزب توده ایران آغاز کرد، و در یک نبرد پر شهامت و بفرنجی، «حزب شهدا و قهرمانان و آرش ها» را یافت، و همچون سربازی فداکار و بی توقع، پرچم رزمی را به دوش گرفت که قبل از او روزبه ها، سیامک ها، مبشری ها، وارطان ها، کیوان ها، محقق زاده ها و هزاران قهرمان خاموش جنبش کارگری و کمونیستی میهن ما، بردوش کشیده بودند. او در مبارزه درونی خود برای رسیدن به حقایق حزب توده ایران، «میراث جاودانی از تعالیم مارکسیسم - لنینیسم را که با تار و پود میهن ما آمیخته و هزاران هزار آتش زیر خاکستر بجا گذاشته را» باز یافت و در این سیر و روند، خود به چهره جاودانه ای در این تاریخ بدل شد. رفیق تیزابی، در جریان زندگی سراسر مبارزه اش، سه بار به دام ساواک اسیر شد و به زندان افتاد. رفیق تیزابی در سال ۱۳۴۲، که برای دومین بار خود را در دست ساواک اسیر دید، در بیدادگاه شاهنشاهی آنچنان دفاعی دلیرانه ای از آرمانهای مردمی حزبش کرد، که رئیس دادگاه از او خواست برای حفظ جاننش از بیان این حرف ها خودداری کند. بیدادگاه، رفیق را به ده سال زندان محکوم کرد. رفیق

**ادامه دهمین کنگره حزب کمونیست آفریقای ...**

را در سطح وسیع مورد بحث قرار دادند.

از اقدامات بسیار جالب کنگره دهم، پیشنهاد و تصویب قطعنامه ای بود در رابطه با اعطای جایزه موزز کوتانه ( به یاد دبیرکل حزب کمونیست آفریقای جنوبی در دهه چهل میلادی) به رفقای که سابقه خدمت ویژه، شایسته و بی نظیر به حزب داشته اند. کنگره به پیشنهاد انقلابی مشهور و معاون وزیر کنونی دفاع آفریقای جنوبی تصویب کرد که برای نخستین بار این جایزه به رفیق بریان بانتینگ، سردبیر ۷۸ ساله مجله تئوریک حزب به نام «آفریقای کمونیست»، که ۵۸ سال عضو حزب و ۵۰ سال عضو کمیته مرکزی آن بوده است، اعطاء شود. رفیق بریان بانتینگ از جمله رفقای رهبری حزب کمونیست آفریقای جنوبی است که سالیان طولانی رابطه نزدیکی با کادر ها و رهبران حزب توده ایران داشته است.

**حضور هیات نمایندگی حزب توده ایران در کنگره دهم حزب کمونیست آفریقای جنوبی**

هیات نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران از سوی کنگره مورد استقبال چشمگیری قرار گرفت. در جریان معرفی هیات های نمایندگی احزاب برادر، حاضر در کنگره، هنگامی که حضور حزب توده ایران اعلام شد، نمایندگان کنگره با کف زدن های ممتد و فریاد «زننده باد» از نمایندگان مرکزیت حزبمان استقبال کردند. همچنین نماینده حزب توده ایران، در کنار نماینده احزاب کمونیست کوبا، ویتنام، چین، برتغال و هند جزو گروه احزابی بود که در کنگره سخنرانی کرد. رهبری حزب برادر ترتیبی داده بود که سخنرانی نماینده حزبمان مصادف با حضور تابو میکی در اجلاس کنگره باشد. هنگامی که جریمی کورونین، معاون دبیر کل حزب کمونیست آفریقای جنوبی، نماینده حزب توده ایران را بعنوان حزبی که دورانی طولانی در شرایط دشوار سرکوب پلیسی فعالیت می کند، برای حضور در پلاتفرم دعوت کرد، شرکت کنندگان کنگره با دست زدن و پای کوبیدن، همبستگی خود را با حزب، به نمایش گذاردند. نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در سخنان خود خطاب به کنگره گفت:

«رفقای ارجمند، جناب معاون رئیس جمهوری، تابو میکی، همزمان عزیز، اجازه دهید که از طرف کمیته مرکزی حزب توده ایران تهنیت های قلبی و برادرانه خود را به شما، نمایندگان و شرکت کنندگان در دهمین کنگره حزب کمونیست آفریقای جنوبی، همچنین به مردم آفریقای جنوبی و به متحدان شما در کنگره ملی آفریقای جنوبی و کنفدراسیون اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی، تقدیم دارم. ما علاقمندیم که از این فرصت استفاده کرده و روابط قدیمی، اصولی و برادرانه خود را با حزب کمونیست آفریقای جنوبی مورد تاکید قرار داده و بر تعهد خود به آینده آنان، پای بفرسیم.

من پیام همبستگی حزبی را به کنگره شما می آورم، که در شرایط دشوار سرکوب پلیسی و محروم بودن از ابتدایی ترین امکانات دموکراتیک، مبارزه برای حقوق دموکراتیک مردم زحمتکش و طبقه کارگر را ادامه می دهد. ما در کشورمان مبارزه نابرابری را با رژیم سرکوبگر به پیش می بریم. در این راه، بسیاری از بهترین فرزندان خلقمان قربانی سببیت قرون وسطایی رژیم حاکم شده اند. حزب توده ایران، به حزب کمونیست آفریقای جنوبی، که همراه متحدانش در برای ساختمان یک آفریقای جنوبی آزاد، دموکراتیک و مرفه، در تلاش است، با تحسین می نگرد. ما به عظمت وظیفه ای که شما در پیش روی خود دارید، واقفیم، چرا که مشوری که شما در سال ۱۹۹۴ به ارت بردید، از پایه و بطور فاجعه باری در اثر سالیان طولانی حکومت آپارتاید صدمه دیده بود و محتاج بازسازی کامل بود. ما، همراه دیگر نیروهای کمونیست و ترقی خواه جهان، به پیروزی سیاست ها و فعالیت های شما، بی نهایت علاقه مندیم. کوششهای شما برای ساختمان آفریقای جنوبی نوی که از نابرابریهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آزاد باشد، در شرایط جدیدی انجام می پذیرد. درس های حاصل از اقدامات شما بی شک و بطور قابل ملاحظه ای دیگر نیروهای سیاسی کشور های در حال توسعه را در تلاش برای ساختمان جوامع جدید، پس از کسب قدرت سیاسی، تحت تاثیر قرار خواهد داد. تلاش های شما برای ساختمان یک جامعه نوین، معرف کوششی جدی برای رها شدن از نظم نوین جهانی است، که پس از تحولات غمبار سالهای دهه ۱۹۸۰ و ابتدای دهه ۱۹۹۰، که منجر به شکست سوسیالیسم در اتحادشوروی و اروپای شرقی گردید، پدیدار شد. ما اطمینان داریم، همانطور که مبارزه شجاعانه شما بر ضد رژیم سرکوبگر آپارتاید نشان داد، جنبش ترقی خواه آفریقای جنوبی، و در قلب آن حزب کمونیست آفریقای جنوبی، منابع سرشاری دارد که به اتکا آن بتوانند در این مرحله مبارزه نیز پیروز گردند. کمونیست های ایرانی، همیشه روش شناسی شما را در بکار گیری همه اشکال مبارزه، و در مقاطعی ترکیب ماهرانه آنان، برای پیشبرد موضع جنبشی که شما نوک

پیکان آن هستید، همیشه تحسین کرده اند. ما به ابعاد عظیم وظیفه شما واقفیم، اما مطمئنیم که موقعیتی را که حزب شما در آفریقای جنوبی داراست، اعتمادی که طبقه کارگر آفریقای جنوبی به شما دارد و احترامی که در میان توده ها از آن برخوردار هستید، منابع قدرتمند و لایزال پیروزی در مبارزات آتی شما هستند. ما به آینده خوشبین هستیم. مبارزه کنونی حزب کمونیست آفریقای جنوبی برای هدایت «یک دگرگونی واقعی ملی و دموکراتیک که همزونی آن با طبقه کارگر و متحدان آن باشد»، عامل مهمی در این خوشبینی ما است.

حزب توده ایران در شرایط متفاوتی فعالیت می کند. شکست انقلاب بزرگ ملی و دموکراتیک بهمن ۱۳۵۷، که توان بلقوه عظیمی برای بیرون کشیدن ایران از چنگال عقب ماندگی و سلطه امپریالیسم داشت، نتیجه مستقیم تفوق نیروهای ارتجاعی طرفدار سرمایه داری بر رهبری آن بود. و نتیجه آن اثر مخربی بر همه عرصه های زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، داشته است. حزب ما توسط دیکتاتوری مذهب سالارانه حاکم، غیر قانونی اعلام شده است. دشمنان حزب ما، به هر تاویل، موفق به نابود کردن سازمانی مانده اند. اعدام ها، زندان ها و ازارعاب، مبارزه ما را برای یک لحظه هم متوقف نکرده است. برغم سیاست های سرکوبگرانه از پیش تعیین شده ای که توسط رژیم دنبال می شود، مردم ایران و نیروهای مترقی مبارزه برای دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی را ادامه می دهند... حزب توده ایران معتقد است که مبارزه برای استقرار دموکراسی و حقوق بشر، در مرحله کنونی مبارزات مردم، کلیدی و حیاتی اند. مایشنهادات خود را مبنی بر تشکیل یک جبهه متحد ضد دیکتاتوری مرکب از همه نیروهای سیاسی ترقی خواه و دموکراتیک در کشورمان، منتشر کرده ایم. احزاب تحت شرایط متفاوتی فعالیت می کنند. به هر تاویل، سنن مشترکی که در ایدئولوژی مشترکمان، مارکسیسم لنینیسم، و مبارزه اصولی مان در طرفداری از صلح، سوسیالیسم و انترناسیونالیسم ریشه دارد، به هم پیوند میدهند. این اصول، بنیان های مبارزه ما را تشکیل می دهند، و حزب توده ایران علاقه مند به تقویت این پایه ها و ارتباطات نزدیکتر میان دو حزب در آینده است.»

در پایان این سخنرانی، در جلسه ای که به ابتکار حزب برادر برگزار شد، هیات نمایندگی حزب توده ایران با تابو میکی ملاقات کرد. نماینده کمیته مرکزی حزبمان، حقایق تکان دهنده سرکوب جنبش آزادی خواهی و از جمله مبارزان حزب توده ایران را برای صدر کنگره ملی آفریقای جنوبی و معاون رئیس جمهوری این کشور تشریح و خواستار ادامه حمایت و همبستگی کنگره ملی آفریقای جنوبی از مبارزات مردم ایران برای دموکراسی و حقوق بشر گردید. در جریان کنگره، هیات نمایندگی حزبمان همچنین ملاقات و گفتگوهای با مسئولان روابط خارجی پارلمان آفریقای جنوبی و برخی مسئولان درجه اول دولتی این کشور داشت که در جریان آن ماهیت تحولات اخیر کشورمان و بی آیندگی رژیم ولایت فقیه، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در بخش قطعنامه ها نیز به پیشنهاد هیات نمایندگی حزبمان، کنگره دهم حزب کمونیست آفریقای جنوبی در رابطه با نقش سرکوبگرانه بنیادگرایی اسلامی بر ضد جنبش های مترقی و چپ و دموکراتیک در ایران و سودان، و لزوم تقویت همبستگی با جنبش های دموکراتیک در این دو کشور، اطلاعیه ای را به تصویب رساند. هیات نمایندگی حزبمان، علاوه بر تبادل نظر با هیات رهبری حزب برادر پیرامون روابط متقابل و لزوم گسترش آن، ملاقاتهای سودمندی با هیات های نمایندگی حزب کمونیست رفرنداسیون (احیاء) ایتالیا، حزب کمونیست فرانسه، حزب کمونیست استرالیا، حزب کمونیست اتریش، حزب کمونیست سودان، حزب کمونیست بریتانیا، حزب کمونیست هند، حزب کمونیست دانمارک، حزب کمونیست اسرائیل و حزب مردم فلسطین، انجام داد.

**یادی از اسطوره های شجاعت و پایداری ...**

تیزبازی پس از آزادی از زندان در سال ۱۳۴۹، با امکانات بسیار محدودی که در اختیار داشت، نشریه مخفی «سوی حزب» را منتشر کرد، و درپجه ای برای آشنایی نسل جوان آنروز با تعالیم مترقی مارکسیسم - لنینیسم گشود. رفیق تیزبازی برای سومین بار دستگیر و این بار مستقیماً روانه شکنجه گاه شد. دژخیمان ساواک، برای درهم شکستن او، هرآنچه در توان داشتند بکار بردند، ولی ناتوان و زبون در مقابل این قهرمان بزرگ توده ها، شکست را پذیرا شدند. «باید سراپا خوف و کابوس بود. باید از زندگی خود چیزی مهلک تر از نیش افمی و زهر هلاهل ساخت. این هنوز کافی نیست. باید حتی مرگ را به صورت دشته ای برای آخرین ضربه و سنگر پرطنینی برای آنهاهی که رزم حاصل خیز ما را ادامه خواهند داد در آورد. و باز این هنوز کم است...»

یادا این اسطوره های کبیر خلق، گرامی و جاوید باد. راهشان پر رهرو!

## ادامهٔ اوضاع بشدت بحرانی کشور و فشار ...

ایران به پایین ترین سطح خود در دوازده سال گذشته سقوط کرد و به بهای ۹ دلار و ۴۳ سنت به فروش رفت. «ناطق نوری، رئیس مجلس شورای اسلامی، و از رهبران جناح «دوب در ولایت»، اخیراً در اعتراف جالبی افساء کرد که هر دلار کاهش در قیمت فروش نفت معادل یک میلیارد دلار کسری بودجه برای دولت است. به عبارت دیگر، بودجه ای که بر اساس ۱۷/۵ دلار برای هر بشکه تنظیم شده است، با نزدیک به ۹ میلیارد دلار کسری رو به رو است و این کسری، افزون بر میلیاردها دلار بدهی خارجی است، که اقتصاد کشور را فلج کرده است.

آقای شمعخانی، رئیس تربیت بدنی خرمشهر، در بارهٔ ابعاد بی سابقهٔ بیکاری در ایران، از جمله گفت: «۹۰ درصد مردم خرمشهر بیکارند.» او می گوید: «ادارهٔ کار و امور اجتماعی، نرخ بیکاری را در ناین شهر ۳۸ درصد می داند، در حالیکه این رقم واقعی نیست. بندر خرمشهر در حال حاضر کاملاً در حال تعطیل بسر می برد، و بنابراین در آنجا کاری وجود ندارد که کسی انجام دهد.» او پیامد وحشتناک بیکاری را بزه کاری دانسته و می گوید بدلیل فقر اقتصادی، خطر آلودگی های مختلف جوانان زیاد شده است.

همچنین آقای بصیری، دبیر انجمن نساجی ایران، اعلام کرده است: «وضع نساجی کشور، در حال بحرانی است و در صورت ادامهٔ اوضاع فعلی و عدم اجازه برای صادرات، راهی جز تعطیل این صنعت باقی نمی ماند.» او گفت: «در دوماه گذشته ۱۷ کارخانهٔ نساجی تعطیل شده است، و دیگر کارخانه های نساجی در حال تصمیم گیری برای تعطیل کارخانه هستند، چون هیچ سازمان و تشکیلات رسمی، از این کارخانه ها حمایت نمی کند.» بصیری یادآور شد که با تعطیل کارخانه های نساجی، هزاران تن بیکار شده اند. علیرضا محبوب، دبیر کل خانهٔ کارگر، نیز در اردیبهشت ماه سال جاری در مصاحبه با خبرنگاران گفت: «صنایع کشور از سال گذشته تاکنون با رکود مواجه است و حتی تعدادی از واحدهای صنعتی در آستانهٔ تعطیلی قرار دارند و حقوق کارکنان آن پرداخت نشده است.»

جالب اینجاست که در چنین اوضاعی که فشار کم شکن اقتصادی بر گردهٔ اکثریت عظیم مردم ما سنگینی می کند، سران رژیم و تجار بزرگ با بهم زدن ثروت های افسانه ای ده ها میلیاردی، و ایجاد انواع و اقسام «گروه های تجارتنی» - مافیایی، «بنیاد» های گوناگون و ... بر حیات اقتصادی میهن ما چنگ انداخته اند، و هرگونه تلاش برای رهایی از بحران را با دشواری های زیادی رو به رو ساخته اند. اختصاص میلیاردها تومان هزینه به نهاد های سرکوبگر، از جمله سپاه، بسیج، نیروهای انتظامی، وزارت اطلاعات و دفاتر مختلف «ولی فقیه»، و گروه های مزدور و وابسته به «ولایت فقیه»، بخش دیگری از حیف و میلی است که دستگاه فاسد حاکمیت جمهوری اسلامی بر میهن ما تحمیل کرده است. تقسیم منابع مالی و اقتصادی کشور بین گروه های مافیایی، از جمله بنیادهایی مانند «بنیاد مستضعفان»، «کمیتهٔ امداد امام» (زیر کنترل عسکر اولادی)، «بنیاد ۱۵ خرداد»، و ... بازتاب روشنی از ساختار بیمار اقتصادی کشور است که زیر نفوذ مستقیم «ولی فقیه» و کلان سرمایه داری تجاری ایران و نمایندگان سیاسی آن، اداره می شود. بگفته محسن رفیق دوست، سرپرست بنیاد «مستضعفان»، این بنیاد نزدیک به ۶۰ درصد اقتصاد کشور را در کنترل خود دارد، و در خرج و دخل این «وجوهات»، به هیچ کسی جز «مقام معظم ولایت» پاسخگو نیست. برای اینکه این نکته روشن تر شود، کافی است اشاره کنیم که در آگهی مزایدهٔ فروش فوق العادهٔ برخی از املاک و مستغلات این بنیاد، که در روزنامهٔ کیهان و همشهری در دی ماه ۱۳۷۶، به چاپ رسیده بود، جمع بهای پایهٔ این املاک و مستغلات در حدود ۴۶ میلیارد تومان تعیین شده بود (البته باید در نظر داشت که بهای پایه برای مزایده ها، معمولاً حداقل بهای کارشناسی است، تا امکان رقابت میان خریداران و افزایش بهای فروش وجود داشته باشد).

در هفته های اخیر، بحث اینکه آیا در اوضاع کنونی اولویت با توسعه سیاسی است و یا توسعه اقتصادی، بازتاب گسترده ای در مطبوعات و اظهار نظرهای سردمداران رژیم داشته است. جناح راست، که خود از مسببین اساسی شرایط بحرانی کنونی است، و میلیاردها دلار ثروت میهن ما را به غارت برده است، با انگشت گذاردن روی حقایق تکان دهندهٔ اقتصادی، دولت و مردم را به رها کردن توسعه سیاسی، و پرداختن به مسایل «اساسی» کشور فرا می خواند. در مقابل، سخنگویان و حامیان دولت، بر اولویت توسعه سیاسی انگشت می گذارند. هر دوی این موضع گیری ها، عمدتاً بر اساس منافع گروهی تنظیم و ارائه می شود. امروز مسألهٔ اساسی کشور، بی عدالتی در همهٔ ابعاد و همهٔ عرصه ها، از جمله عرصهٔ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است.

برای نیروهای مترقی و کسانی که به حقوق انسانها اعتقاد دارند، عدالت اجتماعی بخش جدایی ناپذیری از حقوق بشر است، که بدون تحقق آن نمی توان از تحقق حقوق بشر سخن گفت. مردم ما با، تجربهٔ دردناک زندگی در حکومت رژیم «ولایت فقیه»، دریافته اند که عمده ترین علت توسعه نیافتگی اقتصادی و سیاسی کنونی میهن ما، چیزی جز رژیم «ولایت فقیه» نیست که نه به توسعه اقتصادی ایران علاقه مند است و نه به توسعه سیاسی آن. استبداد، ارتجاع، ظلم، جور، بی عدالتی، فقر و محرومیت، دارای منشاء واحدی هستند.

ما قبلاً گفته ایم و باز تکرار می کنیم، با ادامهٔ رژیم «ولایت فقیه»، که چیزی جز تبلور استبداد مطلق فردی نیست، نمی توان به سمت جامعه مدنی، توسعه سیاسی و اقتصادی حرکت کرد. این رژیم و این ساختار قرون وسطایی ضد مردمی، تضادی آشکار و آشتی ناپذیر با منافع توده های محروم دارد، و تنها با طرد این رژیم است که به تحولات پایدار و بنیادین به نفع اکثریت مردم می توان امیدوار بود. تجربهٔ یک سال گذشته، و عدم موفقیت دولت خاتمی در اجرای سیاست های خود در مقابل نهادهای واقعی قدرت سیاسی در ایران، نشانگر روشن این حقیقت است. انفاقاً مردم با درک و ارزیابی همین تجربه است، که روز به روز و بیش از پیش، به عرصهٔ مبارزهٔ مستقیم برای نابودی فقر، بیکاری، گرانی و بدست آوردن آزادی، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»، کشیده می شوند و تار و بود رژیم «ولایت فقیه» را می لرزانند. پیروزی در این مبارزه، در گرو سازمان یابی توده ها و رزم مشترک همه نیروهای مترقی، ملی و آزادی خواه میهن ماست.

## ادامهٔ دهمین کنگرهٔ حزب کمونیست ...

ماندلا اهمیت دهمین کنگره حزب کمونیست آفریقای جنوبی را که در لحظات حساسی در تاریخ کشور صورت می گیرد، خاطر نشان کرد و به حملاتی که از سوی مخالفان با ائتلاف حاکم صورت می گیرد، اشاره کرد. او از اینکه در برخی لحظات تفاوت های تاکتیکی در بین متحدان به سطح اختلافات استراتژیکی ارتقاء داده می شود، اظهار نگرانی کرد. او آنگاه تأیید کرد که نیروهای چپ نه تنها در آفریقای جنوبی، بلکه در سراسر جهان، با بی صبری و علاقه منتظر نتایج کنگره دهم در تدوین دیدی برنامه ای در مورد زحمتکشان و برای زحمتکشان، در هزاره جدید، هستند. نلسون ماندلا در انتهای سخنان خود، از کنگره در خواست کرد که پیرامون اتخاذ موضع نسبت به برنامه اقتصادی کلان دولت، مسئولانه و با در نظر گرفتن حساسیت های موجود، عمل کند. آنچه در سخنان نلسون ماندلا و سپس روز بعد در سخنرانی طولانی و مفصل تابو مبیکی مشهود بود، نگرانی آنان از انتقاد های مشخص حزب کمونیست و اتحادیه های کارگری از برخی کاستی ها و کندی روند بازسازی اقتصادی آفریقای جنوبی جدید و دموکراتیک بود. آنان حزب را از مطرح کردن انتقاد های خود در خارج از ساختار های ائتلاف سه گانه، بر حذر داشتند. در سخنرانی مفصل پیتس ما له، په- معاون صدر کنفدراسیون اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی، که در حضور تابو مبیکی صورت گرفت، او حضور اعضاء و کادر های اتحادیه های کارگری را در مقام نمایندگان کنگره، نشانه پیوند های استراتژیک - COSA TU و حزب کمونیست دانست. او گفت که این امر «بدون هر گونه تردید، حمایت COSATU از حزب کمونیست آفریقای جنوبی قدرتمند. و همچنین تعهد ما به ساختمان یک حزب قوی را به نمایش می گذارد.» او با اشاره به اهمیت کنگره گفت که دشمنان جنبش می دانند که «با بر گزاری کنگره دهم حزب کمونیست آفریقای جنوبی، دستور کار و برنامه ساختمان سوسیالیسم بیش از پیش به پیش خواهد رفت.» ماله در خاتمه سخنرانی مفصل خود که در آن به مشکلات ویژه اقتصادی و برخی کاستی ها در سیاستگذاری کلان کشور و بویژه برنامه «رشد، اشتغال و بازسازی» اشاره شد، رهبر اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی اضافه کرد «اجازه بدهید که سخنان خود را با اظهار اینکه بعنوان کارگران، ما همیشه از حزب کمونیست آفریقای جنوبی حمایت خواهیم کرد، پایان بدهم. ما به نقش حزب بعنوان یک نیروی سیاسی مستقل که مبارزه خود را برای سوسیالیسم در بطن و چارچوب انقلاب ملی دموکراتیک تعریف می کند، ارزش می نهم. بیابید برای یک آفریقای جنوبی بهتر، آزاد از استثمار طبقه کارگر دست به دست هم دهیم.»

کنگره در ادامه کار خود، با بحث و تصمیم گیری پیرامون اسناد برنامه ای و تشکیلاتی و اتخاذ برنامه عمل و صدور قطعنامه هایی در عرصه های عمده فعالیت حزب، منجمله صدور قطعنامه نهایی کنگره و انتخاب هیات رهبری جدید، در مرکب از هیات اجرایی ای پنج نفره و یک کمیته مرکزی سی نفره، که یک سوم آن را رفقای زن تشکیل می دهند به کار خود با موفقیت پایان داد. دبیر کل جدید حزب، رفیق بلید نزمینده، و صدر حزب رفیق چارلز نکوکولا هستند. رفیق جرالالدین فریزر مولکتیو، وزیر تامین اجتماعی، به مقام معاون صدر، و رفیق جرمی کورونین به پست معاون دبیر کل حزب، انتخاب گردیدند. اکثر رسانه های خبری آفریقای جنوبی، مصوبات و بحث های کنگره



## توسعه طلبی جدید صهیونیست ها

شورای امنیت سازمان ملل، در روز ۲۳ تیرماه، از اسرائیل خواست که تصمیم خود، مبنی بر توسعه مرزهای بیت المقدس، را به اجرا نگذارد، اما دولت دست راستی حاکم مدعی شد که سازمان ملل نمی تواند در این امر مداخله کند. شورای امنیت، همچنین اسرائیل را فرا خواند «از اقدام دیگری که بر نتیجه مذاکرات با فلسطینی ها پیرامون وضعیت

پایدار تاثیر بگذارد، حذر کند.» دیوید بار ایلان، مشاور نخست وزیر دولت صهیونیستی، گفت: «آنچه که اسرائیل در بیت المقدس انجام داده یک مسأله ای است مربوط به شهرداری و محلی برای مداخله هیچ سازمان بین المللی در آن وجود ندارد... اسرائیل به توسعه شهر بیت المقدس در جهت منافع همه شهروندان آن ادامه خواهد داد.» ایالات متحده به همراه هیأت ناظر فلسطینی در سازمان ملل و نیز بحرین، تنها عضو عرب شورای امنیت، در تلاش جلب موافقت برای صدور قطعنامه و یا بیانیه ای در این مورد هستند.

## ادامه بحران در ژاپن

شکست انتخاباتی سخت حزب حاکم لیبرال دموکراتیک در انتخابات مجلس سنای این کشور، در روز ۲۱ تیرماه، شاهدهی دیگر بر ادامه بحران عمیق اقتصادی در شرق آسیا است. ریو تارو هاشیموتو، نخست وزیر ژاپن، روز بعد از انتخابات، استعفای خود را تسلیم پارلمان کرد. در حقیقت، نتیجه انتخابات، رای عدم اعتماد مردم به عملکرد دولت در رابطه با بحران یکسال اخیر بود. در انتخابات، که برای نیمی از ۲۵۲ کرسی مجلس سنا، صورت می گرفت، حزب لیبرال دموکراتیک فقط توانست ۴۴ کرسی از ۶۱ کرسی سابق خود را حفظ کند. حزب کمونیست ژاپن سهم کرسی های خود را به بیش از دو برابر رساند، و اکنون ۱۵ سناتور دارد. در زمان بر سر کار بودن دولت هاشیموتو، بیکاری در ژاپن به بالاترین سطح خود در دوره پس از جنگ جهانی دوم رسیده، و میزان سرانه مصرف مواد ضروری بزرگ ترین کاهش را از زمان بحران نفت در سال ۱۹۷۳ را نشان می دهد. وضعیت وخیم اقتصادی ژاپن نتیجه مستقیم سیاست های اقتصادی دولت در سال گذشته است، که با افزایش مالیات غیر مستقیم مواد مصرفی مورد نیاز عامه، و کاهش مزایای تامین اجتماعی و نیز بودجه بهداشت و باز نشستگی، ماهیت ضد مردمی خود را بوضوح به نمایش گذارده است.

## اتحادیه های کارگری بر ضد بیکاری

ده ها هزار کارگر عضو اتحادیه های کارگری کره جنوبی، در روز ۲۱ تیرماه، در جریان یک گردهمایی مسالمت آمیز، به اعتراض به اقدامات دولت در جهت «تجدید ساختار» صنایع و خدمات و بخش دولتی، پرداختند. هفتاد هزار کارگر عضو «فدراسیون اتحادیه های کارگری کره»، و «کنفدراسیون اتحادیه های کارگری کره» که در پارکی در سئول گرد آمده بودند، از دولت خواستند تا از سیاست های تغییر ساختاری و بیکار کردن کارگران دست بردارد. پارک این سانک، رئیس «فدراسیون اتحادیه های کارگری کره» در سخنرانی خود در گردهمایی، گفت: «ما قویا در برابر تجدید ساختار فرساینده و یکسویه دولت خواهیم ایستاد... رفقای بیگانه ما را مجبور کرده اند که کار خود را از دست بدهند بدون اینکه حتی به آنها مزایا داده شود. همه کارگران باید تا قدم آخر با چنین بیکار کردن هایی مبارزه کنند.» لی کاپ سونک، رهبر «کنفدراسیون اتحادیه های کارگری کره» گفت که در حال حاضر بر اثر بحران مالی کنونی کشور، چهار میلیون کارگر کار خود را از دست داده اند... این تازه اول کار است. ما نمی دانیم که چه تعداد دیگری دچار بیکاری خواهند شد.» اتحادیه های کارگری از دولت و شرکت ها خواستار شده اند که اشتغال کارمندان بانک ها و شرکت ها را که اخیراً تصمیم به تعطیل آنان گرفته شده است، تضمین کنند.

## به فقر کارگران پایان دهید!

هزاران کارمند اعتصابی شرکت پست هند، در روز ۲۳ تیرماه، در طلب حقوق مکفی، به طرف پارلمان این کشور راهپیمایی کردند. «رهبران شورای اقدام مشترک اتحادیه های کارگران پست» که اعتصاب را رهبری می کنند، گفته اند که اقدام اعتراضی کارگران که ششصد هزار نفر در آن شرکت دارند واز روز ۱۶ تیرماه آغاز شده، تا حصول نتیجه مورد نظر ادامه خواهد یافت. دبیرکل «فدراسیون ملی سازمان پست» فاش کرد که بیش از سیصد میلیون فقره محموله پستی، در سراسر کشور، در انبارهای پستی، تحویل نشده باقی مانده اند. وزیر ارتباطات هند با قول اینکه خواسته های آنها برآورده خواهد شد، از اعتصابیون خواست که کار خود را از سر بگیرند: «من در مورد عزم جزم دولت به حمایت از منافع کارمندان و اینکه با دید مثبت به خواسته های قانونی آنان برخورد شود، به شما قول میدهم.» کارگران اعتصابی، نامه های حمایت و همبستگی از جانب فدراسیون ملی سازمان های تلکوم هند، فدراسیون کارگران راه آهن سراسری هند، فدراسیون اتحادیه های کارگری هند و مرکز اتحادیه های کارگری هند، دریافت کرده اند. احزاب مخالف، دولت را متهم کرده اند که از شروع مذاکرات جدی با اعتصابیون طفره می رود. رفیق گرو داس دسگوپتا، نماینده پارلمان از حزب کمونیست، گفت دولت سعی می کند که اثر اعتصاب را نا چیز وانمود کند.

## تجاوزگری نظامی ترکیه

بیش از پنج هزار نیروی نظامی ترکیه که توسط واحدهای نیروی هوایی این کشور حمایت می شدند، روز ۲۰ تیرماه، وارد شمال عراق شده، و به حمله به مواضع نیروهای کرد مخالف دولت ترکیه، پرداختند. بر طبق اظهار منابع نظامی در شهر تونسلی ترکیه، هلیکوپترهای کبرای آمریکایی با راکت به مواضع چریک های حزب کارگران کردستان ترکیه پ کا کا، در کردستان عراق، حمله کردند. استان های شمالی عراق از سال ۱۹۹۱، و متعاقب درگیری نظامی آمریکا و عراق، تحت کنترل نیروهای کرد عراقی آمده است. این منطقه، با بهانه تعقیب نیروهای کرد که برای خودمختاری مناطق کردنشین این کشورها مبارزه می کنند هدف تجاوزات مکرر جمهوری اسلامی ایران و ترکیه قرار گرفته است. این تجاوزات عملاً از سوی ایالات متحده و انگلستان، که کنترل قلمرو هوایی کردستان عراق را بدست دارند، حمایت می شود. از سوی دیگر، گزارش خیرگزاری ها حاکی از همکاری نیروهای وابسته به حزب کردستان عراق با ارتش ترکیه، در این درگیری های جدید است. منابع خبری گفته اند که گروهی از چریکهای حزب دمکرات کردستان عراق توسط نفربرهایی به جنوب ترکیه منتقل شده تا در کنار نیروهای ارتش ترکیه با گروههای وابسته به حزب پ کا کا بجنگند. آنها گفتند که چریکهای حزب دمکرات کردستان عراق مواضع چریک های حزب پ کا کا کردستان ترکیه را که در حال عقب نشینی اند، محاصره نکرده اند.

## اعتصاب تاریخی در پورتوریکو

اتحادیه های کارگری پورتوریکو، اولین اعتصاب عمومی دوران موجودیت خود را، در روزهای ۱۷ و ۱۸ تیرماه، با موفقیت به اجرا گذاردند. این اقدام اعتراضی، در مخالفت با تصمیم فرماندار پورتوریکو به فروش شرکت دولتی تلفن به بخش خصوصی، بود. در جریان اعتصاب پانصد هزار کارگر و کارمند پورتوریکویی دست از کار کشیدند، و بانکها، مغازه ها و ادارات دولتی تعطیل شدند. کارگران اعتصابی، در روز ۱۸ تیرماه، با شعار «پورتوریکو برای فروش نیست» در خیابان های سن خوان پایتخت، قلمرو تحت حاکمیت ایالات متحده به راهپیمایی پرداخته، و در پایان، در یک گردهمایی اعتراضی در مقابل ساختمان مرکزی شرکت تلفن پورتوریکو شرکت کردند. مقامات دولتی در صددند که شرکت تلفن را به قیمت ۱/۵ میلیارد دلار به کنسر سیومی با مدیریت شرکت آمریکایی گ ت ا، بفروشند. سازمان دهی اعتصاب توسط یک ائتلاف، تحت نام کمیته چتری گروه های کارگری، مدنی، فرهنگی، سیاسی، مذهبی صورت گرفته بود. کمیته مزبور از اقدام سه اتحادیه کارگری شاغلان بخش تلفن، که رویهم شش هزار عضو دارند، و در اعتراض به تصمیم دولت از اواخر خرداد ماه در اعتصاب نامحدود بوده اند، حمایت کرده است.

## دهمین کنگره حزب کمونیست آفریقای جنوبی: برای ساختمان سوسیالیسم! در راه ایجاد قدرت توده ای!

● استقبال گرم دهمین کنگره از هیأت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران

● دیدار نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران با تابو مکی، معاون رییس جمهور و دبیر کل کنگره ملی آفریقا



### نلسون ماندلا با پیراهن مخصوص دهمین کنگره حزب کمونیست

خوانی پر شور نمایندگان کنگره، همراه رهبران سرشناس حزب، به سالن کنگره وارد شد. از صحنه های جالب اینکه، نلسون ماندلا، به تشویق رهبران حزب، در مقابل حاضران در کنگره، پیراهن سرخی را که آرام دهمین کنگره حزب بر خود داشت بر تن کرد و کلاه سرخ منقش به داس و چکش را بر سر گذاشت. نلسون ماندلا همچنین کارت عضویت افتخاری و مادام العمر حزب را قبول کرد و بر سینه خود نصب کرد. رفیق جرمی کورونین، معاون دبیر کل حزب، در سخنرانی کوتاهی، ضمن خیر مقدم به نلسون ماندلا، تصمیم حزب به اعطای جایزه صلح کریس هانی به نلسون ماندلا را اعلام کرد. رفیق کورونین، در بزرگداشت مقام نلسون ماندلا، اشاره کرد که «ما مقدم شما به کنگره را بعنوان رهبر کنگره ملی آفریقای جنوبی، رهبر ائتلاف و کشور، گرامی می داریم. ما به شما بعنوان برجسته ترین سیاستمدار قرن بیستم، سیاستمداری که از قلب خود سخن میگوید، درود می فرستیم.» نلسون ماندلا در سخنرانی خود گفت که «من به دریافت این جایزه از سوی حزب کمونیست آفریقای جنوبی افتخار می کنم.» او ضمن بزرگداشت خاطره کریس هانی، به خصیصه های او بمثابه یک رهبر توانا و اندیشمند و معتقد اشاره کرد، و فاش کرد که کریس هانی، بررغم درخواست های مکرر رهبری کنگره ملی آفریقای جنوبی برای ادامه نقش خود در فرماندهی شاخه نظامی کنگره ملی آفریقا (ANC) بدلیل نیاز حزب به انجام وظیفه او در ارگان های رهبری، از سمت خود کناره گیری کرد. نلسون ماندلا از عملکرد کریس هانی «همچون یک مبارز شجاع و معتقد راه آزادی، که مأموریت های سازمانی محوله را در تمامی شرایط با جدیت دنبال می کرد» یاد کرد. ماندلا سپس گفت «رفقا، این جایزه، لزناً که از طرف سازمانی داده می شود که سالیان دراز بخش کلیدی مبارزه ما بوده است، برای من عزیز و گرانبها است... در طول مبارزه مان برای آزادی، یکی از بسیار چیزهایی که ما از حزب کمونیست یاد گرفتیم، اهمیت همبستگی بین المللی بود، و اینکه هیچ مبارزه ای نمی تواند در انزوا بطور موثر و موفقیت آمیز صورت پذیرد.» نلسون

دهمین کنگره حزب کمونیست آفریقای جنوبی در روزهای ۱۰ تا ۱۴ تیر ماه، در حومه ژوهانسبورگ، برگزار شد. این کنگره بلحاظ اهمیت تصمیمات محوله به آن، در تدوین برنامه پیشبرد مبارزه برای ساختمان سوسیالیسم و قدرت توده ای در آفریقای جنوبی، و همچنین شرایط بفرنج و متحول ملی، منطقه ای و جهانی، بدرستی از سوی تحلیل گران آگاه و محافل ترقی خواه آفریقای جنوبی، یک رویداد مهم تلقی گردید. به دعوت رهبری حزب برادر، هیأت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در این کنگره مهم حضور و شرکت فعال داشت. در مجموع، نمایندگان ۴۵ حزب کمونیست و کارگری و ترقی خواه، از پنج قاره جهان، در این اجلاس حضور داشتند. اهمیت کنگره و حساسیت تصمیم گیری های آن را می توان از حضور نمایندگان بیست سفارتخانه مختلف، از جمله سفارت ایالات متحده آمریکا، در محل کنگره، و تعقیب بحث های آن، دریافت. ۴۱۶ نفر، از سوی بیش از ۸۰ هزار عضو حزب، بعنوان نمایندگان صاحب حق رای، در بحث های کنگره حضور فعال داشتند. اکثریت چشمگیر نمایندگان، زیر چهل سال سن داشتند و نسبت رفقای زن به مرد، ۱ به ۴ بود. از دیگر مشخصات ویژه کنگره، تعداد کثیر فعالان کارگری، و نیز حضور اعضای کنگره ملی آفریقا، بعنوان نمایندگان شاخه های حزبی، در کنگره بود.

کنگره با سخنان رفیق بلید نزمینده، عضو مشهور پارلمان و صدر حزب، افتتاح گردید. او، در سخنان خود، به اهمیت تاریخی کنگره، که در اوضاع بفرنج کنونی جهان، وظیفه تدارک ساختمان سوسیالیسم و قدرت توده ای را در پیش روی دارد، اشاره کرد. رهبر حزب برادر ضمن توجه دادن به رخداد های پر تلاطم هشت سال اخیر در جهان، این حقیقت را که حزب کمونیست آفریقای جنوبی در همین دوران به قدرتمندانه ترین لحظات موجودیت خود رسیده است، مورد تاکید قرار داد. رفیق بلید، با اشاره به تاریخ حزب و قانونمندی مبارزه و پیروزی پیشاهنگان طبقه کارگر گفت که حاکمان رفدار تبعیض نژادی از «حزب ملی»، در سال ۱۹۵۷، حزب کمونیست را غیر قانونی اعلام کردند، اما اکنون این آنان هستند که در معرض از هم پاشیدن و احتمالا محو شدن از صحنه سیاسی آفریقای جنوبی هستند در حالیکه حزب کمونیست، لحظه به لحظه، قدرتمندتر می شود. او از نیروی فراوانی سخن گفت، که از سوی اعضا و کادرها و رهبران حزب، برای تبدیل حزب از یک حزب کوچک فعال، در شرایط دشوار مخفی، به یک حزب بزرگ، قانونی و موثر در حیات جامعه صرف گردیده است. رفیق بلید اعلام کرد که این کنگره را به پاس خدمات رفیق کریس هانی، دبیر کل سابق حزب و رهبر محبوب و بخون غلظیده حزب، با یاد او برگزار می کنند. سالن کنگره به پوستره های «کریس هانی قهرمان توده ها» مزین شده بود، و بیشتر نمایندگان پوسترهایی از کریس هانی با خود همراه داشتند.

در بیان اهمیت و نفوذ حزب کمونیست آفریقای جنوبی، و موقعیت ویژه آن در حیات سیاسی، اجتماعی-اقتصادی این کشور، قابل ذکر است که نلسون ماندلا، رئیس جمهوری آفریقای جنوبی، تابو مکی معاون رئیس جمهوری و صدر کنگره ملی آفریقای جنوبی، دبیر کل کنگره ملی آفریقای جنوبی، رهبران درجه اول اتحادیه های کارگری آفریقای جنوبی و چهره های سرشناس پارلمان این کشور، در کنگره حضور یافته و پیامهایی بدان خطاب کردند. قابل توجه بود که این پیام ها، که بعضاً بسیار مفصل و دقیق بودند، جنبه رسمی و تشریفاتی نداشته و در حقیقت تایید کننده نقش فعال، کلیدی و مرکزی حزب در ساختمان آفریقای جنوبی جدید بودند. حضور نلسون ماندلا در اولین روز کنگره، از لحظات بیاد ماندنی آن بود. رئیس جمهوری آفریقای جنوبی، زندانی سیاسی سابق و رهبر قدیمی کنگره ملی آفریقای جنوبی، در میان سرود

ادامه در صفحه ۶

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1- Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

**NAMEH MARDOM-NO:536**

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

21 July 1998

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۳۲۴۱۶۲۷ - ۳۰ - ۲۹ -

حساب بانکی ما:

IRAN e. V.

790020580

10050000

Berliner Sparkasse

نام

شماره حساب

کد بانک

بانک